

# کلیات

## در موسیقی و ادبیات دری

بازشناسی نظام آموزشی موسیقی سنتی افغانستان و همسایه‌گان

از آغاز عهد اسلامی تا استیلای مکتب خرابات

(سده‌های سوم تا چهاردهم هجری)

دکتر اسدالله شعور

## برخ دوم کلیات آوازه‌ها

آوازه‌ها یگانه مورد نظام موسیقی خراسانیست که در قلمرو فرهنگ و زبان دری در ترتیب و اسامی آنها از دیر زمانی اختلاف خیلی کمتری وجود داشته است. زیرا آوازه‌ها به مقایسه‌ی مقامات موسیقی پدیده‌ی جدیدتری بوده، در عهد اسلامی به وسیله‌ی موسیقیدانان خراسان بزرگ پدید آمده‌اند که در برخ بعدی به اندک تفصیل آنها را خواهیم شناخت. گفته‌اند که دانشمندان موسیقی از امتزاج نغمات فرازی شش مقام موسیقی با نغمات فرودی شش مقام دیگر؛ گام‌های ملامه‌ی ششگانه‌ی تازه‌ی یافته و آوازه‌اش خوانده‌اند؛ چنانکه نسیم طرب در رساله‌ی موسیقی‌اش که به نام خود او معروفست، درین مورد چنین گفته‌است:

عروقِ درختانِ اثنی عشر برآورده شاخ از دو شاخِ دگر

که یعنی يك آوازه از دو مقام شود ظاهر آنگه که خواهی، تمام

و این شش آوازه‌را به نام‌های زیرین مسما گردانیده‌اند: گوشت، گردانیه، نوروز،

سلمک، مایه و شهناز؛ چنانکه در یکی از رسایل خطی که مؤلف آن تا هنوز شناخته نشده و در کتابخانه‌ی پژوهشکده‌ی خاورشناسی سن پترزبورگ روسیه (لنین‌گراد سابق) نگهداری می‌شود؛ درین مورد طی کلیاتی در دو بیت چنین گفته شده است:

۱۳/۱: ۶

در مذهبِ عاشقانِ دمساز      آوازه شش آمد، ای سرافراز!  
نوروز و گوهشت و مایه آنگاه      گردانیه، سلمک ست و شهناز<sup>۴</sup>

باقیای نایینی در «زمره‌ی وحدت» کلیاتِ دو بیتی زیرین را به کوکبی نسبت داده که در آن نیز اسامی شش آوازه ذکر یافته‌اند؛ در حالیکه این کلیات در بھجت‌الروح که نگارشِ آن مقدم بر زمانِ زنده‌گانی کوکبی می‌باشد؛ نیز آمده است:

۱۴/۲: ۶

مطرب بر شه چو پنجه بر ساز کند      نوروز و گوهشت و سلمک آغاز کند  
گفتم صنما! نمای گردانیه را      پس مایه بگرداند و شهناز کند<sup>۵</sup>

برخی از مؤلفین رساله‌های موسیقی مانند محمد نیشاپوری، علامه قطب‌الدین شیرازی و قدمای دیگر، آوازه‌ها را شعبه نیز خوانده‌اند.<sup>۴</sup> از آنجایی که پیش از سده‌ی ششم هجری اصطلاح شعبه معمول نبوده؛ و یا اینکه شکل فراگیر و سرتاسری قلمرو زبانِ دری را نداشته است؛ زیرا درین برهه‌ی زمانی اصطلاحِ رنگ را در آثار موسیقی می‌توان دید که به‌جای شعبه؛ و اغلب به‌جای گوشه به‌کار رفته است. در روزگارِ بعد نیز این اصطلاح کاربرد داشته، چنانچه استاد دلدوز هردو اصطلاح را در رساله‌اش به‌کار برده است.<sup>۵</sup> کلیاتِ زیرین آوازه‌ها که در کنزالتحف

حسن کاشانی آمده و به احتمال قوی سروده‌ی خود او می‌باشد؛ دایر بر همین موضوع است که گویا آوازه‌ها نیز شکلی از شعبات موسیقی اند:

۱۵/۳: ۶

شش شعبه که موسوم به شش آواز است

دل‌ها به دوازده مقامش باز است

گردانیه و گواشت و دیگر نروز

پس مایه و سلمک و دگر شهنوازست<sup>۶</sup>

حسن کاشانی در مورد آوازه نوشته است که: «بعضی از ادوار را آوازه نام نهاده‌اند و قومی آنرا شعب می‌خوانند. و بیرون ازین آوازه هر آواز دیگر که باشد آنرا مرکبات می‌خوانند؛ هریکی به اسمی خاص به اصطلاح عرفی چون مُحِیَّر که مرکب از دو نروز است و همچون نُهفت که مرکب از نروز و حجاز است.»<sup>۷</sup> ازین گفته‌ی حسن کاشانی هویدا است که در روزگار زنده‌گانی او هنوز هم آوازه‌ها را به اصطلاح دوگانه یاد می‌کرده‌اند. و بالاخره کلیات بسیار زیبا و شاعرانه‌ی که در رساله‌ی موسیقی استاد شاه‌محمد دلدوز آمده؛ یکی از بهترین کلیات‌های اسامی شش آوازه است که تا کنون به نظر نگارنده‌ی این سطور رسیده است. چون این کلیات در متن رساله نبوده، بلکه بعد از ختم آن درج گردیده است، به احتمال زیاد برافزوده‌ی دیگران خواهد بود؛ ازینرو احتمال آن موجود است که سروده‌ی شاعران قرن نهم تا یازدهم هجری باشد؛ زیرا نسخه‌ی موجود آن رساله در سال ۱۰۷۵ هـ توسط کاتبی به نام فتح‌الله خواری رونویسی گردیده و شاید او مطابق عنعنه‌ی کاتبان این عهد، سه کلیات و از جمله ابیات زیرین را در آن

رساله افزوده باشد و یا اینکه مستنسخ رساله‌ی منبع او چنین کرده‌است؛ و آن کلیات زیبا اینست:

۱۶/۴: ۶

تو ای مطرب آهنگِ شهناز کردی	در عیش بر روی ما باز کردی
نخواهد شدن مهرِ نوروزم از دل	بریدن دل از دوست کاربست مشکل
اگر لذتِ صوتِ سلمکِ بدانی	دگر صوت‌های مخالف نخوانی*
به‌مستی ز گردانیه کام بستان	ز ساقی دستان سرانجام بستان
مرا مایه از چنگِ غم باز دارد	من این سودگر مایه دارم کی دارد؟

گوشت‌ست آرامِ جانِ اسیران

انیسِ غریبان؛ حریفِ فقیران<sup>۱</sup>



\* در اصل: بخوانی



### مدارک و پینوشتها:

- ۱- طرب. نسیم. رساله‌ی موسیقی نسیم طرب. نسخه‌ی شماره ۷۲۴۹/۲ کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی ایران. ورق ۸ الف رساله.
  - ۲- مؤلف ناشناخته. رساله‌ی موسیقی. نسخه‌ی شماره ۱۹۳۵؛ ۳۹۸۳ B پژوهشکده‌ی خاورشناسی اکادمی علوم سن پترزبورگ روسیه. ورق ۱ الف.
  - ۳- زمزمه‌ی وحدت. نسخه‌ی خطی ۶۲۶۲ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه لاهور. ورق ۵ ب.
- تفاوت این کلیات در دو رساله‌ی دیگر چنینست:
- مصراع نخست:

- بهجت‌الروح : مطرب بر شه چو نغمه را ساز کند.

- زمزمه‌ی وحدت. نسخه‌ی شماره ۱۰۲۲۶ کتابخانه‌ی البرونی

پژوهشکده‌ی خاورشناسی اکادمی علوم اوزبیکستان در تاشکند: مطرب بر شه چو دست بر ساز کند.

- ۴ - رساله‌ی موسیقی محمد نیشاپوری. ورق ۲۷ ب مجموعه.
- ۵ - رساله‌ی موسیقی استاد شاه محمد دلدوز. ص ۱۹.
- ۶ - کنزالتحف. ورق ۱۹ رساله.
- ۷ - همانجا.
- ۸ - رساله‌ی موسیقی دلدوز. ص ۲۰.



## برخ سوم

## کلیات آوازه ها و مقامات مربوط هر یک

بدانگونه‌یی که پیش ازین نیز یاد کردیم؛ دانشمندان گفته‌اند که آوازه‌ها ترکیبی از مقاماتست، به‌ترتیبی که از امتزاجِ نغماتِ پایینی يك مقام با نغماتِ بالایی مقامی دیگر، ترکیبِ جدیدی آفریده و آن را آوازه نام داده‌اند. چون تعدادِ مقامات دوازده‌اند؛ پس از روی منطق تعدادِ آوازه‌ها باید شش باشند که در برخِ دومِ این بخش با اسامی آنها آشنا شدید. درین بخش کلیات‌هایی را می‌آوریم که در آنها نامهای آوازه و مقامات هردو باهم یاد گردیده، و حتی در برخی از آنها نحوه‌ی ترکیبِ این آوازه‌ها نیز ذکر یافته‌اند.

دانشمندان گفته‌اند که آوازه‌ی سلمک از بمی اصفهان و زیری زنگوله پدید آمده و آوازه‌ی گردانیه از بمی عشاق و زیری راست. آوازه‌ی نوروز که آنرا برای تفریق از نوروزِ عجم و نوروزِ عرب و همچنان نوروز یا نیزِ صغیر و کبیر، نوروزِ اصل نیز خوانده‌اند و خواجه‌عبدالرحمن غزنوی آنرا به‌شکل نوروزِ خارا ثبت نموده‌است؛ 'مأخوذ از



زیری مقام بوسلیک و بمی مقام حسینی ست و به همین ترتیب، آوازه‌ی گووشت که آن را گواشت نیز می‌نویسند، برگرفته از بمی مقام حجاز و زیری مقام نواست. مایه را از بمی عراق و زیری کوچک<sup>۱</sup> و شهناز را از بمی بزرگ و زیری رهاوی استخراج نموده اند.<sup>۲</sup> چنانچه شاعری درین زمینه گفته است:

۱۷/۱:۷

تا که سلمک را بلند آواز شد	اصفهان، زنگوله را دمساز شد
دور گردانیه از ناراستی	کرد با عشاق میل راستی
تا مرا نوروز اصل آوازه شد	بوسلیک آمد، حسینی تازه شد
هر صدایی کز گووشت آمد برون	شد حجاز اندر نوایش رهنمون
مایه را صد ناله و زاری شنید	تا به کوچک از عراق آمد نوید

نالهی شهنازم از دل غم زدود

از بزرگ و از رهاوی رو نمود<sup>۱</sup>

مولانا نجم‌الدین کوکبی در رساله‌ی موسیقی‌اش کلیات زیرین را آورده است که شرح آن پیش ازین گذشت و همین کلیات زیبای دوازده مقام و شش آوازه است که تأثیر عظیمی در جنبش کلیات‌سرایی پاردریا و خراسان گذاشته، مدت دو صد سال دیگر این ژنر آوازی و شعری را زنده و در تداول نگهداشت. گسترده‌گی شهرت همین قطعه سبب گردیده تا از سده‌ی دهم هجری به اینسو، همه کلیات‌های مندرج در آثار خطی را به‌سراینده‌ی آن یعنی مولا کوکبی نسبت داده اند.

و آن کلیات زیبا اینست:

۱۸/۲:۷

ز راهِ راستِ گر آهنگ می کنی به حجاز

ز اصفهان گذر و جانبِ عراق انداز

به ناقه زنگوله در پرده‌ی رهاوی بند

به بوسلیک، حسینی صفت برآر آواز

مشو بزرگ، ز راهِ نیاز کوچک باش

درین مقام به عشاقِ بی‌نوا پرداز

گوهشت و مایه و گردانیه چو برخوانی

نواز پرده‌ی نوره‌وز و سلمک و شهناز

به گوشِ جان شنو از کوکبی که کرد ادا

به چاربت، ده و دو مقام و شش آواز<sup>ه</sup>

کلیاتِ دیگرِ آوازه‌ها و مقاماتِ مربوطِ هریک که در بهجت‌الروح آمده و پس از آن در رسایل بسیار دیگری نیز تکرار یافته است؛ پارچه‌ی شش بیتی زیرین است که از لحاظ وزن شعر و اسلوبِ بیان همانندِ کلیاتِ مقامات و شعبه‌های آن می‌باشد که به کوکبی نیز نسبت داده شده؛ ازینرو می‌توان گمان برد که شاید این شش بیت نیز جزئی از همان منظومه باشد که در اصل معرفِ دوازده مقام، شش آوازه و بیست و چهار شعبه بوده؛ سراینده، آفرینش کلیاتی مرکب را اراده داشته است؛ ولی مؤلفین رسایل موسیقی پسین هریخش را از همدیگر جدا کرده اند. بمرحال یادکرد آوازه‌ها و مقام‌های مرتبط به آنها درین کلیات

چنین است:

۱۹/۳: ۷

شش آوازست و در جایست، هریک  
 در اسپاهان و زنگوله‌ست، سلمک  
 چو با عشاق گردد راست یکدل  
 شود گردانیه زین هردو حاصل  
 دو عینم بوسلیک‌ست و حسینی  
 بود نوروزِ اصلم زین دو معنی  
 حجاز آمد که همدم شد نوا را  
 گوشت از هردو گردید آشکارا  
 عراق و کوچک آمد اصل مایه  
 چی روح‌افزاست یارب وصل مایه

بزرگ‌ست و رهاوی اصلِ شهنواز

شدم با خامشی منبعده دمساز

در یکی از نسخه‌های قلمی بی که به خط و املا بسیار بدی رونویسی گردیده؛ و فهرست نگاران نیز آن را به اشتباه رساله‌ی موسیقی روحانی خوانده‌اند؛ کلیاتی به نظر رسید که در بازشناسی اجزای مقامات و آوازها به ترتیب شد سروده شده‌است؛ ولی با تأسف که در آخرین دقایق حضور در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، کتابدار بخش مربوط - خاتم کنعانی - مانع ضبط آن کلیات به روی نوار گردیدند. ازینرو تنها مطلع و مقطع آن یادداشت گردید که دو بیت آغازین را در جایش خواهیم آورد؛ ولی بیت مقطع این کلیات یکی از ابیات ششگانه‌ی آن در بازشناسی آوازها بوده، چنین سروده شده‌است:

۲۰/۴: ۷

ازین هر دو برون آرند شهنواز

رهاوی و بزرگ آمد هم‌آواز



### مدارک و پینوشته‌ها:

- ۱ - مختصری در بیانِ دوازده مقامِ خواجه عبدالرحمن غزنوی. ورقِ ۱۹۱ الفِ مجموعه. ممکنست این بخشِ گفته‌ی غزنوی را کاتب به اشتباه رونویسی کرده باشد؛ زیرا نوروژخارا گوشه‌یی از شعبه‌ی صباست و از طرف دیگر در رساله‌ی غزنوی نوروژخارا را برگرفته از بمی بزرگ و زیری نوا نوشته اند که مسلماً نادرستست.
- ۲ - دلدوز به جای اسم مقام عراق، حجاز نوشته است.
- ۳ - رساله‌ی موسیقی شاه محمد دلدوز هروی. ص ۱۷. و رساله‌ی موسیقی نجم‌الدین کوکبی. ص ۱۸. کوکبی مایه را مرکب از بمی زیرافگن (= کوچک) و زیری عراق نوشته است.
- ۴ - سفره‌چی، ابوالوفا. کرامتِ مجرا (کرامیه). به تصحیح نگارنده. ص ۲۶. این نسخه که از برابرسنجی هفده نسخه‌ی خطی کرامتِ مجرا فراهم آورده شده است، صرف در پنج مورد باهم اختلاف داشتند. چون اختلافات جزئی بودند از نقل آنها صرف نظر گردید. علاقمندان را به رساله‌ی کرامتِ مجرا که توسط این قلم آماده‌ی چاپ گردیده است، حواله می‌دهیم.
- ۵ - رساله‌ی موسیقی کوکبی. صص ۲۷ - ۲۸.

- بهجت الروح صص ۴۴ و ۴۵.
- رساله‌ی غزنوی. ص ورق ۱۸۸ الف و ب.
- تحفة السرورِ درویشعلی هروی. مایکروفلم اکادمی علوم افغانستان. ص ۱۴۲.
- کرامت مجرا. نسخه‌ی شماره ۲۷/۱۸ آرشیف ملی افغانستان. ص ۱۱۹.
- این کلیات در بیش از ۳۲ منبع آمده‌است ولی صورت مقابله‌ی متن آن را از پنج منبع دارای قدامت بیشترین درینجا می‌آوریم:
- مصرع نخست:
- غزنوی : چو آهنگ
- مصرع دوم :
- بهجت الروح : نظری جانب ...
- غزنوی : در ره عراق
- سفره‌چی: گذری جانب ...
- مصرع سوم :
- بهجت الروح : ز ناقه ...
- مصرع پنجم :
- بهجت الروح : و ز راه نیاز کوچک شو
- مصرع ششم :
- بهجت الروح : دران میانه به
- تحفه‌السرور: در آن مقام به عشاق هم‌نوا
- سفره‌چی: در آن مقام ... بینوا، بنواز
- مصرع هفتم :
- غزنوی : گبشت و مایه
- سفره‌چی: ... چو پردازی.
- مصرع هشتم:

- تحفة السرور: بساز . . .

مصرع نهم :

- بهجت الروح : به گوش جان بشنو از کسی که کرد بیان

- غزنوی : بیت اخیر را ندارد.

۶- بهجت الروح صص ۴۵ و ۴۶.

- رساله‌ی موسیقی میرصدرالدین، نسخه‌ی شماره ۲۸۲۷ کتابخانه‌ی بادلیان

دانشگاه آکسفورد. ورق ۸.

- کرامت مجرا. نسخه‌ی شماره ۵۵۹۴/۲ کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد

دانشگاه تهران. ورق ۴۶ الف.

- زمزمه‌ی وحدت باقی‌ای نایینی. نسخه‌ی ۶۲۶۲ دانشگاه پنجاب. ص ۳.

- کرامت مجرا. نسخه‌ی شماره ۲۷/۱۸ آرشیف ملی افغانستان. ص ۱۱۳.

مقابله‌ی نسخه‌ها:

مصرع نخست :

- زمزمه‌ی وحدت . . . و در هر جاست هر یک

- کرامت مجرای آرشیف ملی: شش است آواز و از جایست . . .

- سایر نسخ : در جای است . . .

مصرع دوم :

- صدرالدین: ز اسفاهان و زنگوله است و سلمک

- سفره‌چی در هردو نسخه : ز اسفاهان و زنگوله است، سلمک

- زمزمه‌ی وحدت : در اسپاهان . . . و سلمک

مصرع سوم :

- کرامت مجرای دانشگاه تهران : زین هردو همدل

- کرامت مجرای آرشیف ملی: زان هردو حاصل

مصرع چهارم :

- صدرالدین: کردانیا زان

- کرامت مجرای آرشیف ملی: گردانیه زان

مصراع پنجم:

- زمزمه‌ی وحدت: دو چشمم ...

- کرامت مجرای آرشیف ملی: حسینی، بوسلیکِ روح افزا

مصراع ششم:

- صدرالدین: تو ای نوروزِ اصل آن نور عینی

- کرامت مجرای دانشگاه تهران و زمزمه‌ی وحدت: اصلم زین دو معنی

- بهجت‌الروح: زین دو عینی. ولی صورت زمزمه‌ی وحدت ترجیح داده شد.

- سفره‌چی آرشیف ملی: شود نوروزِ اصل از هردو پیدا

مصراع هفتم:

- صدرالدین و کرامت مجرای آرشیف ملی: نوا را با حجاز افتاده پیوند

مصراع هشتم:

- صدرالدین: گواشت از چهره [اش] زان برقع برافگند

- کرامت مجرای آرشیف ملی: گواشت از چهره [اش] چون برقع برافگند

- زمزمه‌ی وحدت: حجاز اندر سرود آمد ...

مصراع نهم:

- صدرالدین و کرامت مجرای آرشیف ملی: عراق و کوچکست آن اصل کز وی

مصراع دهم:

- صدرالدین: به سوی ماده می آرد خرد پی

- کرامت مجرای آرشیف ملی: سوی مایه خرد می آورد پی.

مصراع دوازدهم:

- سفره‌چی آرشیف ملی: شوم با خرمی منبعده مساز.

۷- رساله‌ی موسیقی (روحانی؟). نسخه‌ی شماره ۶/۲۵۹۱ کتابخانه‌ی مرکزی و

مرکز اسناد دانشگاه تهران. ورق ۷۹ الف مجموعه.